

اروپا: از قاره‌های جهان؛ سکونتگاه شماری از حج‌گزاران

بخشی از جمعیت حج‌گزار، مسلمانان ساکن اروپا هستند. نیز بخش شایان توجهی از ارتباط اروپا با مکه و مدینه، مربوط به سفر جهانگردانی است که در سده‌های پیشین به این دو شهر سفر کرده‌اند.

قاره اروپا، پس از اقیانوسیه، کوچک‌ترین قاره جهان است و به لحاظ جمعیت پس از آسیا و آفریقا، رتبه سوم را دارد. ۴۷ دولت در قاره اروپا جای گرفته‌اند. مساحت این قاره افزون بر ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن است و ساکنان آن به حدود ۵۰ زبان سخن می‌گویند. مسیحیت دین رایج آن است و پیروان کلیسای کاتولیک دارای اکثریت هستند و پیروان کلیسای ارتدکس و پروتستان‌ها در رتبه‌های بعد جای دارند. شمار مسلمانان این قاره به بیش از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تن می‌رسد. افزون بر مسلمانان روسیه که بخش بزرگی از مسلمانان اروپا را تشکیل می‌دهند، مناطق مسلمان‌نشین مانند بالکان و کشورهای آلبانی و بوسنی و هرزگوین در اروپا قرار دارند.^۱

◀ تاریخ اروپا: یونانیان نخستین مردم

۱. الموسوعة العربية، ج ۳، ص ۳۴۱، ۳۵۰-۳۵۱؛ جغرافیای جهان اسلام، ص ۴۱۲، ۴۲۳.

اروپایی بودند که تمدنی پیشرفته را در حدود سال ۵۰۰ ق.م. بنا نهادند.^۲ دستاوردهای درخشان دانشی و هنری این تمدن را که زیربنای تمدن اروپایی در سده‌های بعد بود، رومیان که در سده دوم ق.م. امپراتوری خود را بنا نهادند، جذب و به آیندگان منتقل کردند.^۳ اروپا در دوران امپراتوری روم، شاهد ظهور و گسترش مسیحیت بود. این دین در سده چهارم م. در دوران امپراتوری کنستانتین، دین رسمی اروپا شد.^۴ با نابودی امپراتوری روم، این سرزمین به سال ۳۹۵ م. به دو بخش شرقی با مرکزیت قسطنطنیه و غربی با مرکزیت رم قسمت شد.^۵ پس از هجوم اقوام صحرائین ژرمن و هون و گوت و فروپاشی امپراتوری روم غربی در سده پنجم م. قرون وسطا در تاریخ اروپا آغاز گشت.^۶

از سده شانزدهم م. اروپا چند تحول بنیادین را تجربه کرد. آغاز و گسترش نهضت رنسانس که در اصل جنبشی هنری بود و بازگشت به میراث یونان و روم^۷، اروپا را به

۲. تاریخ جهان نو، ج ۲، ص ۱۷.

۳. تاریخ جهان نو، ج ۲، ص ۲۳.

۴. تاریخ جهان لاروس، ج ۱، ص ۲۶۹؛ اطلس تاریخی جهان اسلام، ص ۲۲۷.

۵. اطلس تاریخی جهان اسلام، ص ۱۷۶.

۶. تاریخ جهان لاروس، ج ۱، ص ۲۸۳-۳۱۱؛ اطلس تاریخی جهان اسلام، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ تاریخ جهانی، ص ۳۳۳-۳۴۷.

۷. تاریخ جهان لاروس، ج ۲، ص ۹-۳۱؛ تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۷.

مرحله جدیدی از زندگی فرهنگی و اجتماعی وارد کرد. ظهور پروتستانتم نیز افزون بر ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی، کشورهای اروپایی را درگیر نبردهای مذهبی طولانی نمود.^۱ این دوران هنگام شکل‌گیری دولت‌های بزرگ اروپایی و رونق دریانوردی و تصرف بخش‌هایی از قاره آمریکا و آسیای جنوب شرقی به دست این دولت‌ها بود.^۲

با آغاز دوران روشنگری در سده هجدهم م. اروپا شاهد تحول بزرگ فکری و فلسفی گشت.^۳ سده هجدهم م. همچنین دوران انقلاب‌های دموکراتیک بود. انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ م. رخ داد و خود سرآغاز انقلاب‌هایی دیگر در اروپا شد.^۴ در همین دوره، انقلاب صنعتی که نخست در انگلیس در اواخر سده هجدهم م. آغاز شد، به دیگر نقاط اروپا گسترش یافت.^۵ انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی را به جست‌وجوی مواد خام ارزان قیمت در نقاط گوناگون جهان واداشت و استعمار اروپایی در کشورهای افریقایی و آسیایی را پی نهاد.^۶

◀ حضور مسلمانان در اروپا:

مهم‌ترین رخداد اروپا در سده بیستم م. رخ دادن دو جنگ جهانی (اول: ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م؛ دوم: ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م.) بود. در پایان این نبردها، ظهور قدرت نظامی و اقتصادی جدید با نام آمریکا و رخ دادن انقلاب بلشویکی در روسیه، بر سرنوشت اروپا تأثیر نهاد.^۷ پس از پایان جنگ جهانی دوم، اروپا به جنگ سرد دچار گشت و کشورهای اروپایی به دو قسمت اروپای شرقی با نظام سوسیالیستی به رهبری شوروی، و کشورهای لیبرال با رهبری آمریکا قسمت شدند.^۸ در دهه ۷۰ سده بیستم م. کشورهای اروپای شرقی روابط خود را با کشورهای اروپای غربی بیشتر کردند و به سوی استقلال از شوروی پیش رفتند. سرانجام با ایجاد انقلاب‌هایی به سال ۱۹۸۹ م. در کشورهای بلوک شرق، این کشورها از زیر سلطه شوروی بیرون آمدند.

۱. تاریخ جهان لاروس، ج ۲، ص ۱۹-۲۱؛ تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۲۵.
 ۲. تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۱؛ تاریخ جهان نو، ج ۱، ص ۱۷۲، ۱۷۴.
 ۳. تاریخ جهان نو، ج ۹، ص ۵۰۹.
 ۴. تاریخ جهان لاروس، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۷۲.
 ۵. تاریخ اروپا، ص ۱.
 ۶. تاریخ جهان لاروس، ص ۱۶۰-۱۶۱.
 ۷. تاریخ جهان لاروس، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۵۰، ۴۵۴-۴۸۰.
 ۸. تاریخ جهان لاروس، ج ۲، ص ۴۹۹.

توفیق نیافتند.^۱ مسلمانان در غرب اروپا با گذشتن از شمال آفریقا و پیمودن تنگه جبل الطارق وارد اندلس شدند و با تصرف اندلس به پیشروی در جنوب فرانسه پرداختند تا آن‌گاه که در نبرد پواتیه شکست خوردند و متوقف شدند.^۲

در سده یازدهم م. سلجوقیان آناتولی را تصرف کردند و در نبرد ملازگرد (۱۰۷۱ م.) امپراتوری روم شرقی را شکست دادند و سرزمین آناتولی را از امپراتوری روم شرقی جدا کردند.^۳ دوران دولت عثمانی، پایان پیشروی مسلمانان در اروپا بود. دولت عثمانی با حمله به اروپا و تصرف قسطنطنیه به سال ۱۴۷۸ م. مناطقی از جنوب اروپا از جمله صربستان، یونان جنوبی و بوسنی را زیر سلطه خود درآورد.^۴

حضور گروه‌های پراکنده مسلمانان در اروپا از جمله در اروپای شرقی و همچنین در جاهایی از فرانسه و اسپانیا، به سده‌ها پیش بازمی‌گردد. اما تنها از سده ۱۹ م. بود که مهاجرت گسترده مسلمانان به اروپا آغاز شد و در سده بیستم م. به اوج رسید. استعمار

کشورهای اروپایی در سرزمین‌های اسلامی، هم‌هنگام با رشد اقتصادی اروپا، از عوامل اصلی مهاجرت مسلمانان به کشورهای اروپایی بود. در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم م. کارخانه‌های اروپا به نیروی کار ارزان نیاز داشتند که بیشتر از میان مهاجران کشورهای استعمار شده تأمین می‌گشت.^۵ بدین ترتیب، در آغاز سده بیستم م. بسیاری از مسلمانان هند به انگلیس و مسلمانان شمال آفریقا به فرانسه مهاجرت کردند.^۶ مهاجرت برای یافتن کار از کشورهای مسلمان در آغاز سده بیستم م. نیز ادامه یافت و عوامل سیاسی و اجتماعی نیز به رشد آن افزود. برای مثال، بسیاری از مسلمانان آلمان را پناهندگانی از شوروی و یوگسلاوی سابق تشکیل می‌دهند.^۷ مردم کشورهای استعمار شده بیشتر به نیروهای نظامی ارتش کشورهای اروپایی می‌پیوستند و حتی در جنگ‌های جهانی، ارتش کشورهای استعماری شامل گروه‌هایی از نیروهای بومی کشورهای استعمار شده بود که پس از نبرد به وطن خود بازنگشتند.^۸ امروزه در اروپای غربی حدود ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان وجود دارد. این

۵. مسلمانان اروپا و آمریکا، ص ۱۲۸-۱۳۹.

۶. اسلام و مسلمانان در انگلستان، ص ۱۹-۲۰؛ اسلام و مسلمانان در فرانسه، ص ۲۱-۲۲.

۷. مسلمانان اروپا و آمریکا، ص ۱۴۵-۱۴۷.

۸. مسلمانان اروپا و آمریکا، ص ۱۳۹؛ اسلام و مسلمانان در فرانسه، ص ۲۲.

۱. تاریخ جهان لاروس، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲. اسلام در غرب، ص ۴۵، ۶۸.

۳. اطلس تاریخی جهان اسلام، ص ۲۹۹؛ تاریخ جهان لاروس، ج ۱، ص ۳۷۴.

۴. اطلس تاریخی جهان اسلام، ص ۳۴۴.

رقم در اروپای شرقی بدون احتساب روسیه که ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان در آن سکونت دارند، به حدود ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ تن می‌رسد.^۱ آمار مسلمانان در کشورهای گوناگون اروپایی متفاوت است. امروزه در فرانسه بیش از ۵/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان ساکن هستند. در آلمان بیش از ۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر، انگلیس حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ تن و در ایتالیا ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر مسلمان حضور دارند. شماره مسلمانان در دیگر کشورهای اروپای غربی کمتر از ۱/۰۰۰/۰۰۰ تن است. در شرق اروپا، اوکراین، بلغارستان، آلبانی، بوسنی و کوزوو هر یک با حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ تن بیشترین مسلمان را دارد.^۲

◀ حرمین شریفین و سیاست اروپا:

ارتباط ساکنان حرمین با اروپا را می‌توان به دوران باستان و روابط تجاری میان بازرگانان حجاز با سرزمین‌های شمال شبه جزیره بازگرداند که در آن دوران زیر سیطره روم باستان بود. مکیان با تشکیل کاروان‌های تجاری، به انتقال محصولات افریقا، هند و یمن از جنوب شبه جزیره به شام می‌پرداختند^۳ و از این راه با رومیان در ارتباط بودند و حتی در امور تجاری با پادشاهان روم همکاری

داشتند.^۴

مکه و مدینه هیچ‌گاه با اروپا برخورد نظامی مستقیم نداشتند و اروپاییان به این مناطق حمله نکردند. اما همواره به منزله خاستگاه دین اسلام، در کانون توجه اروپاییان بودند. البته برخی از دشمنان اروپایی اسلام به فکر لشکرکشی به این دو شهر مقدس افتادند. برخی منابع از تصمیم یکی از فرماندهان نبردهای صلیبی با نام رینو دو شاتیلون (Reynaud de chatillon) در حدود سال ۱۱۸۲ م. برای حمله به حرمین خبر داده‌اند. دو شاتیلون که با تصرف مناطقی از اردن توانسته بود راه حاجیان را قطع کند و در این مکان به کاروان‌های آنان حمله می‌کرد، خیال دست یافتن به گنج‌های مسجد نبوی با حمله به مدینه را در سر داشت؛ ولی فرصت چنین کاری را نیافت.^۵

در برخی از منابع تاریخی، به تصمیم برخی از اروپاییان برای دزدیدن پیکر پیامبر گرامی ﷺ از مدینه در سده ششم ق. اشاره شده است. بر پایه این روایت، دو تن از مسیحیان به گونه ناشناس به مدینه آمدند و نزدیک مسجد پیامبر ساکن شدند. آنان با کندن تونلی قصد ربودن جسد پیامبر را

۱. العرب و هولندا، ص ۲۵-۲۶.

۲. العرب و هولندا، ص ۲۵-۲۶.

۳. تاریخ العرب القديم، ص ۲۵۳-۲۶۱.

۴. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ الحجاز فی صدر الاسلام،

ص ۱۵-۱۶؛ تاریخ قریش، ص ۱۲۴.

۵. حکام مکه، ص ۹۰؛ اکتشاف جزیره العرب، ص ۲۳.

داشتند؛ اما تصمیم آن‌ها فاش شد و سلطان محمود زنگی دیواری از سرب گرداگرد قبر پیامبر کشید.^۱

به سال ۱۴۵۳ق. دولت عثمانی قسطنطنیه را تصرف کرد و راه تجاری اروپا با شرق را به طور کامل در اختیار گرفت.^۲ این رخداد اروپاییان را به جست‌وجوی راه‌های جدید برای گسترش تجارت رو به رشد خود با شرق واداشت. در سده ۱۶م. دریانوردان پرتغالی توانستند راه دریایی سرزمین‌های آسیای شرقی را بدون عبور از کشورهای عربی بکشایند.^۳ تصرف بندرهای جنوب شبه جزیره عربی نیز در دستور کار پرتغالی‌ها بود. آلبوکرک (Albuquerque) دریانورد نام‌آور پرتغالی به سال ۱۵۱۳م. به ساحل عدن حمله کرد؛ ولی توفیقی به دست نیاورد.^۴ سواحل جنوب غربی شبه جزیره عربستان همواره در کانون توجه کشورهای استعمارگر باقی ماند و بخش‌هایی از آن به دست قوای انگلیسی در سال ۱۸۳۹م. تصرف شد.^۵

هنگامی که ناپلئون مصر را تصرف کرد، به طور طبیعی می‌خواست حجاز و جنوب شبه

جزیره را نیز زیر سیطره درآورد. البته وی هیچگاه فرصت این کار را نیافت. شایعه حرکت نیروهای فرانسوی به سوی حجاز، مردم مکه را به هراس افکند. در سال ۱۷۹۸م. شریف مکه فرمان داد تا مردم برای مبارزه با فرانسه آماده شوند. دولت عثمانی نیز با فرستادن پیامی به نماینده انگلیس در عدن، از نیروهای این کشور کمک خواست.^۶

دخالت اروپاییان در شبه جزیره در سده بیستم م. به اوج رسید. از جمله این موارد، کمک‌های انگلیس به آل سعود برای دستیابی به حکومت است.^۷ دولت‌های اروپایی، به ویژه انگلیس، با آغاز جنگ جهانی اول و اتحاد عثمانی با آلمان، رهبران شبه جزیره از جمله عبدالعزیز سعودی و شریف حسین را در برابر عثمانی تحریک و از شورش این رهبران بر ضد عثمانی حمایت کردند.^۸

◀ **سفر اروپاییان به حرمین: سفر** اروپایی‌ها به مکه و مدینه بخشی مهم از تاریخ رابطه اروپا با این دو شهر است. پیشینه این سفرها به سده پانزدهم م. می‌رسد. برخی گزارش‌های تاریخی از سفر چند اروپایی مانند جووانی کابوتو (Giovanni Caboto)

۱. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۳.

۲. اطلس تاریخ اسلام، ص ۳۵۸.

۳. بلاد العرب القاصیه، ص ۶۷-۶۸.

۴. هدیه الزمن، ص ۱۰۰.

۵. هدیه الزمن، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ علاقه سلطنته لبحج ببرطانییا،

ص ۳۴.

۶. حکام مکه، ص ۲۲۳؛ تاریخ مکه، ص ۵۷۹.

۷. رحالة الغرب، ص ۱۸۵-۱۹۴؛ شبه جزیره فی عهد الملک

عبدالعزیز، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۹۰؛ بریطانیا و ابن سعود، ص ۳۳.

۸. افاده الانام، ج ۴، ص ۲۳۴-۲۴۵.

خود به حج رفت.^۳ یوهان وایلد (Johann Wild) و جوزف پیتس (Joseph Pitts) نیز از بردگان اروپایی بودند که به حج رفتند. وایلد در نورنبرگ زاده شده و در نبردهای دولت پروس با عثمانی اسیر شده بود و به سال ۱۶۰۷م. صاحب مسلمانش او را به حج برد.^۴ پیتس جوانی انگلیسی بود که در یکی از سفرهای دریایی به دست دزدان دریایی افتاد و به سال ۱۶۸۰م. همراه ارباب مسلمان خود در مراسم حج حضور یافت.^۵

از سده هجدهم م. مسافرت اروپاییان به شبه جزیره عربی با اهداف علمی و سیاسی گسترش یافت. در این دوران، بسیاری از دانشمندان اروپایی در قالب سفرهای اکتشافی به شبه جزیره عربی و حجاز سفر کردند. نویسندگان مسلمان معمولاً انگیزه اصلی سفر دانشمندان اروپایی به مکه و مدینه و شبه جزیره عربی را جاسوسی و دستیابی به آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی و طبیعی برای سلطه آسان‌تر بر آن منطقه می‌دانند و انگیزه‌های علمی را پوششی برای اهداف استعماری به شمار می‌آورند.^۷

۳. جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۳؛ بلاد العرب القاصیه، ص ۶۸.

۴. مسیحیون فی مکه، ص ۴۰-۴۴.

۵. مسیحیون فی مکه، ص ۴۵-۵۱.

۶. رحالة الغرب، ص ۲۶-۲۷.

۷. نک: مجلة مركز بحوث و دراسات المدینة، ش ۱۴-۱۵، ص ۱۶.

«بیرتون و صورة المدینة فی رحلته»، رحالة الغرب، ص ۲۷.

نماینده شرکت‌های تجاری ایتالیا به سال ۱۴۵۰م. و پدرو کوفیله‌ها کوویلین (Pedro da caviha) دریانورد پرتغالی، به سال ۱۴۸۷م. به مکه و مدینه در سده پانزدهم م. خبر داده‌اند.^۱ از سده شانزدهم م. در پی گسترش دریانوردی، شمار مسافران اروپایی به مکه و مدینه بیشتر شد. بیشتر مسافرانی که در این دوران به مکه و مدینه سفر کردند و از خود نوشته‌ای بر جای گذاشتند، دیدگاه علمی و اهداف مطالعاتی یا سیاسی معینی نداشتند. لودوویکو دی وارتما (Ludovico Di Varthema) که به سال ۱۵۰۳م. در مکه و مدینه حضور داشت، نخستین اروپایی است که به مکه رفت و سفرنامه‌ای بر جای نهاد. او که از مردم بولونیا در ایتالیا بود و چند سال در کشورهای عربی به سر برده بود، توانست با تسلط بر زبان عربی و ایجاد هویت جعلی برای خود، همراه کاروانی از حاجیان به مکه و مدینه سفر کند.^۲ بیشتر مسافران اروپایی مکه و مدینه در این دوران بردگانی بودند که همراه صاحبان مسلمان خود به حج می‌رفتند. گرگوریو داکودرا (Gregorio Daqudra) دریانورد پرتغالی از آن جمله بود. وی در حبشه اسیر گشت و به عنوان هدیه به پادشاه عدن تحویل شد و به سال ۱۵۱۳م. با صاحب

۱. جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۳.

۲. مسیحیون فی مکه، ص ۳۰-۳۵.

این درست است که بیشتر این دانشمندان از حمایت‌های دولتمردان اروپایی بهره می‌بردند و حتی از سوی آنان مأموریت‌های سری یا رسمی سیاسی داشتند.^۱ اما نباید این جنبه را تنها هدف سفرهای آنان به حساب آورد. انگیزه‌های علمی، شور و شوق دست یافتن به ناشناخته‌های شرق، و الهام از زندگی و فرهنگ مشرق زمین که در موارد فراوان مسافران اروپایی را شیفته خود می‌کرد،^۲ از انگیزه‌های اروپاییان برای گام نهادن در آن سفر ناشناخته و دشوار بود.

در سال ۱۸۰۷م، دومینگو بادیا لبلیش (Leblich Domingo Badia) اسپانیایی با ظاهری مسلمان وار به عنوان یکی از اشراف خاندان عباسی با نام علی بیگ عباسی به مکه و مدینه سفر کرد.^۳ سفر او بیشتر جنبه مأموریت مخفی سیاسی داشت. بادیا که زاده اسپانیا بود، در سفری به فرانسه از سوی ناپلئون مأمور تحقیق درباره اوضاع و احوال سیاسی شبه جزیره پس از ظهور وهابیان شد.^۴ او هنگام ورود به مکه مورد استقبال شریف مکه قرار گرفت و مدتی در آن شهر ماند.^۵

۱. رحالة الغرب، ص ۲۶-۲۷.

۲. قافلة الحبر، ص ۶۵-۶۶.

۳. بلاد العرب القاصیه، ص ۹۸-۹۹؛ مسیحیون فی مکه، ص ۵۲-۶۶.

۴. قافلة الحبر، ص ۶۱-۶۲؛ حکام مکه، ص ۲۲۱؛ جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۶۲.

۵. مسیحیون فی مکه، ص ۵۸-۶۰؛ بلاد العرب القاصیه، ص ۱۰۳-۱۰۴.

اولریش یاسپر ستن (Ulrich Jasper Seetzen) آلمانی نیز در همان هنگام از سوی امپراتور روسیه به مأموریتی همانند فرستاده شد. او به شبه جزیره عربی وارد شد و به بررسی آثار باستانی در پترا پرداخت و پس از اسلام آوردن به مکه سفر کرد و حج گزارد. سپس به جنوب جزیره رفت و به مطالعات سنگ‌نوشته‌های باستانی پرداخت و به سال ۱۸۱۱م.^۶ در راه صنعا جان سپرد.

یئورگ آوگوست والین (George August Wallin) دانشمند فنلاندی نیز به سال ۱۸۴۵م. به صحرای عربستان رفت و بیشتر سفرش را در میان قبایل عرب به مطالعه آداب و زندگی اقوام صحرائین پرداخت و به مناطق مختلف شبه جزیره، از جمله مکه، سفر کرد.^۷ برخی او را از فرستادگان دولت فرانسه و هدف اصلی وی را مطالعه درباره وهابیان دانسته‌اند.^۸

از مسافرانی که در سده نوزدهم م. به مکه و مدینه سفر کرد، لئون روش (Leon Roches) فرانسوی بود که از کودکی در الجزایر زیسته و در ارتش فرانسه خدمت کرده بود. مدتی نیز به عبدالقادر، رهبر الجزایر در مبارزه با فرانسه، پیوست و با او دوستی گزید. بعدها دیگر بار به

۶. بلاد العرب القاصیه، ص ۱۰۷؛ جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۷۴-۷۹.

۷. قافلة الحبر، ص ۸۷؛ مسیحیون فی مکه، ص ۱۴۸-۱۵۱.

۸. قافلة الحبر، ص ۸۷.

اروپایی فراهم آورد.^۴

ریچارد برتن (Richard Burton) انگلیسی که به سال ۱۸۵۲م. به سوی مکه و مدینه حرکت کرد، پیشتر مدتی در دیگر سرزمین‌های اسلامی مانند هند و ایران زیسته بود و به زبان‌های گوناگون شرقی تسلط داشت. وی مدتی در افریقا به اکتشاف آثار باستانی پرداخت و چندی کنسول انگلیس در برخی از کشورهای عربی بود. سفرنامه او منبعی مهم برای مطالعه تاریخ اجتماعی مکه و مدینه است.^۵ برخی از نویسندگان، سفر او به مکه و مدینه را نیز هم‌سو با اهداف استعمار انگلیس ارزیابی کرده‌اند.^۶

از مهم‌ترین خاورشناسانی که به مکه و مدینه سفر کرد و کتابش مأخذی مهم برای مطالعه احوال اجتماعی مکه در سده نوزدهم م. است، کریستیان اسنووک هورخرونیه (Christian Snouk Hurgronje) هلندی است که به سال ۱۸۸۵م. به مکه رفت و به بررسی تأثیر حج در میان مسلمانان پرداخت.^۷

۴. بلاد العرب القاصیه، ص ۱۰۸-۱۱۶؛ مسیحیون فی مکه، ص ۷۵-۱۰۰.

۵. مجله مرکز بحوث و دراسات المدینه، ش ۱۴-۱۵، ص ۲۷-۴۲، «بیرتون و صورة المدینة فی رحلته»؛ مسیحیون فی مکه،

ص ۱۵۲؛ بلاد العرب القاصیه، ص ۱۴۱-۱۶۴.

۶. مجله مرکز بحوث و دراسات المدینه، ش ۱۴-۱۵، ص ۳۷-۳۸، «بیرتون و صورة المدینة فی رحلته».

۷. مسیحیون فی مکه، ص ۲۰۹-۲۲۷.

فرانسه رفت و در ارتش به کار پرداخت. سفر او به مکه و مدینه به قصد گرفتن فتوای عدم جواز جهاد بر ضد دولت فرانسه از دانشوران مسلمان بود. او به سال ۱۸۴۱م. برای این منظور به مکه رفت.^۱

ژول ژروهه کورتلمون (Jules Gervais Courtellemont) فرانسوی دیگری بود که به سال ۱۸۹۳م. برای مأموریتی همانند به مکه و مدینه سفر کرد و به سبب عکس‌هایی که از این شهرها تهیه نمود، شهرت یافت.^۲ جان فیلبی (John Filby) از کسانی است که در سده بیستم م. به عنوان فرستاده سیاسی از سوی انگلیس وارد عربستان شد و روابطی نزدیک با عبدالعزیز سعودی یافت و مسلمان شد. او مدتی در مکه اقامت یافت و سپس سال‌ها در جده ساکن گشت.^۳

از مسافران نام‌آور اروپایی که تحقیقات باستان‌شناسی او در شبه جزیره عربی شهرت فراوان دارد، یوهان بورکههارت (Johann Burckhardt) سوئسی است. او به سال‌های ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵م. در مکه و مدینه بود و دیده‌هایش از مکه و مدینه دقیق‌ترین وصف را از این دو شهر تا آن هنگام برای خواننده

۱. مسیحیون فی مکه، ص ۱۱۷-۱۴۷؛ جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۲۰۶.

۳. تاریخ التویم، ج ۶، ص ۷۸؛ رحالة الغرب، ص ۲۱۱-۲۳۰.

در این دوران، مکه و مدینه شاهد حضور جهانگردان اروپایی دیگر نیز بود که نه با قصد معین، بلکه با هدف ماجراجویی و جهانگردی، با ظاهری مسلمان وار به آنجا سفر کردند. بیشتر این افراد جهانگردانی بودند که افزون بر مکه و مدینه، به مناطق گوناگون جهان سفر کردند؛ از جمله: جان فرایر کین (John Fryer) که به سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۷۸ م.، هرمان بیکنل (Herman Bicknell) به سال ۱۸۶۲ م.^۲، هانریش مالتسان (Herrnrich Freiherr Von Maltzan) به سال ۱۸۶۰ م.، الدون راتر (Eldon Rutter) به سال ۱۹۲۵ م.^۳ و مارسلا د. ارل (Marcella Arle) به سال ۱۹۵۴ م.^۴.

به دلیل ممنوعیت سفر غیر مسلمانان به مکه و مدینه، بیشتر کسانی که به حجاز می‌آمدند، با هویت و نام ساختگی و پس از آموختن زبان عربی راهی این سفر می‌شدند.^۵ بیشتر اینان سال‌ها پیش از سفر به مکه، در سرزمین‌های عربی و اسلامی زندگی کرده بودند و درباره آداب و رسوم مردم عرب و احکام اسلام آگاهی‌هایی دقیق و کامل داشتند. بسیاری از اروپاییان نیز

بدون پنهان کردن هویت اصلی خود و پس از اظهار اسلام، به مکه و مدینه سفر می‌کردند؛ اما باز هم در تیررس اتهام قرار داشتند.^۶ ساکنان حرمین به این موضوع بسیار اهمیت می‌دادند و این‌گاه برای مسافران اروپایی دردسر می‌آفرید. برای مثال، در مکه به مسلمانی وار تماشاکر کردند و او با حيله فراوان و انکار مسیحیت توانست از مهلکه بگریزد.^۷ درباره مرگ سترن نیز گفته‌اند که حاکم صنعا پس از تردید در مسلمان بودنش، او را با زهر کشت.^۸ برای اطمینان از مسلمان بودن بورکهارت، قاضی مکه او را آزمود و چون از آگاهی‌اش به علوم اسلامی یقین یافت، مسلمان بودنش را تأیید کرد. برخی از مسافران اروپایی برای ورود به مکه و مدینه، از یک دانشمند مسلمان گواهی‌نامه‌ای برای اسلام آوردن خود می‌گرفتند.^۹

با آغاز دوران استعمار، احساسات ضد اروپایی در مکه و مدینه بیشتر شد. بروکهارت در سفرنامه خود به بیزاری سخت مسلمانان مکه از کافران، به ویژه انگلیسی‌ها، به سبب سلطه اروپاییان بر کشورهای اسلامی اشاره کرده است.^{۱۰} اروپاییان در حرمین همواره در

۱. مسیحیون فی مکه، ص ۱۹۳؛ جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۱۷۲.

۲. مسیحیون فی مکه، ص ۱۸۹-۱۹۲.

۳. مسیحیون فی مکه، ص ۱۸۱-۱۸۸.

۴. جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۲۵۳.

۵. جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۲۵۴.

۶. ع با من به خانه خدا بیاید، ص ۳۶۱-۳۶۴.

۷. التاريخ القويم، ج ۶، ص ۷۰-۷۱.

۸. نک: جمهرة الرحلات، ج ۳، ص ۲۱۲، ۲۱۴.

۹. مسیحیون فی مکه، ص ۳۴-۳۵.

۱۰. مسیحیون فی مکه، ص ۷۳.

۱۱. الرحلة الحجازية، ص ۴۷.

۱۲. رحلات فی شبه جزيرة العرب، ص ۱۹۲؛ صفحات من تاریخ

مکه، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۵.

اسلام آوردن نام زینب را برگزید، به سال ۱۹۳۳م. از انگلیس به قصد حج راهی مکه شد. سعیده میلر (Miller) از مردم انگلیس که همراه همسر مصری خود در سال ۱۹۷۰م. به حج رفت و محمد اسد که به سال ۱۹۲۷م. مسلمان شد و به مکه سفر کرد، از دیگر افراد این گروه هستند.^۷

◀ اروپا و حج مسلمانان: با آغاز دوران

استعمار، حج مسلمانان در کشورهای اشغال شده با سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت‌های اروپایی گره خورد. با وارد شدن تجهیزات پیشرفته حمل و نقل به کشورهای اسلامی و ایجاد راه‌های جدید، سفر حج در این کشورها آسان‌تر و سریع‌تر صورت پذیرفت و شمار حاجیان افزایش یافت. از نیمه دوم سده نوزدهم م. بیش از نیمی از حاجیان مسلمان از کشورهای استعمار شده و با وسایل و سازمان‌دهی حاکمان اروپایی به حج می‌رفتند. کشتیرانی در بیشتر راه‌های دریایی حج، به ویژه اقیانوس هند و دریای سرخ، در دست اروپاییان بود.^۸ در خشکی نیز حمل و نقل از طریق راه آهن که بیشتر به دست اروپاییان ساخته می‌شد، مشکلات حج مسلمانان را کاهش داد. راه آهن حجاز که به سال ۱۹۰۸م. ساخته شد، از

تیررس اتهام جاسوسی برای دولت‌های اروپایی قرار داشتند.^۱ احساسات ضد اروپایی نه تنها در حرمین، بلکه در جاهای دیگر حجاز از جمله شهر جده که اروپاییان بیشتری در آن حضور داشتند، به چشم می‌خورد و گاه اعتراض‌هایی از سوی مردم و دانشوران به حضور اروپاییان در این مناطق صورت می‌گرفت.^۲

مسافران اروپایی مکه و مدینه تنها جهانگردان ماجراجو و دانشمندان نبوده‌اند. برخی از اروپاییان که به مکه و مدینه سفر کردند، مسلمانانی بودند که هدفی جز انجام واجب دینی خود نداشتند. برخی از اینان سفرنامه‌هایی به یادگار نهاده‌اند. یک اسپانیایی مسلمان که در سده ۱۶م. به مکه و مدینه سفر کرد و از خود سفرنامه‌ای بر جای گذاشت، از این دسته است.^۳ مسافرانی که در سده بیستم م. به حج رفتند، معمولاً از همین دسته بودند.^۴ اتی‌ین دینه (Etienne Dinet) فرانسوی پس از اسلام آوردن، در آغاز سده بیستم م. برای انجام فریضه حج به مکه سفر کرد.^۵ خانم اولین کابولد (Evelyn Cobbold) که پس از

۱. رحلة الی مکه، ص ۹۰.

۲. رحلات فی شبه جزيرة العرب، ص ۱۹۲.

۳. جهمرة الرحلات، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۲۰.

4. One thousand roads to mecca. P321.

۵. التاريخ القويم، ج ۶ ص ۷۷.

۶. جهمرة الرحلات، ج ۲، ص ۴۶، ۸۰.

۷. جهمرة الرحلات، ج ۴، ص ۱۱۷.

8. One thousand roads to mecca. P321.

برجسته‌ترین این موارد است که هر چند با تصمیم دولت عثمانی اجرا گشت، به دست مهندسان آلمانی ساخته شد.^۱ سامان‌دهی حج مسلمانان در کشورهای استعمار شده نیز به دست حاکمان اروپایی بود. آنان برای کسب مشروعیت در میان مسلمانان، کوشیدند زمینه را برای حج فراهم کنند.^۲ با وجود این، مسلمانان معمولاً از کارشکنی دولت‌های اروپایی درباره حج شکایت داشتند. مشکلات اقتصادی و به ویژه رواج بیماری‌های واگیردار عاملی بود تا حاکمان اروپایی درباره سفر حج شرایطی سخت برقرار کنند.^۳ افزون بر این، حج برای اروپاییان پیامدهای سیاسی منفی داشت و شماری از اروپاییان به حج‌گزاری مسلمانان کشورهای استعمار شده بسیار بدبین بودند.^۴

اجتماع مسلمانان در حج، محفلی مناسب برای انتشار افکار ضد استعماری بود. مسلمانان در این اجتماع بزرگ ستم کشورهای استعمارگر را برای یکدیگر بازگو می‌کردند و به احساسات ضد اروپایی در میان مسلمانان دامن می‌زدند.^۵ حج فرصتی مناسب برای داد و

ستد گزارش‌ها میان ساکنان مناطق گوناگون یک کشور نیز بود. در این سفرها، گزارش‌های شورش‌ها و اعتراض‌های یک منطقه به ساکنان دیگر مناطق می‌رسید و آنان را به شورش برمی‌انگیخت.^۶

حج باعث گسترش بیداری اسلامی در میان مردم می‌شد. البته همه حاجیان به گونه یکسان از این افکار اثر نمی‌پذیرفتند. طلاب علوم دینی و صوفیان از حضور در مکه بیشتر اثر می‌گرفتند و با اعتبار و نفوذی که پس از سفر حج در جامعه مسلمانان به دست می‌آوردند، به تشکیل و تقویت مقاومت‌های مذهبی بر ضد استعمارگران غیر مسلمان کمک می‌کردند.^۷

برپایی قرنطینه برای جلوگیری از فراگیر شدن بیماری‌های واگیردار موسم حج، اثر دیگری بود که اروپا بر حج‌گزاری مسلمانان نهاد. این روش افزون بر کشورهای اروپایی و مستعمرات آن‌ها در دیگر کشورهای اسلامی که بر سر راه حاجیان قرار داشتند، از جمله عثمانی و مصر، پی گرفته شد.^۸

کشورهای اروپایی نقشی عمده در ساخت و سازهای شبه جزیره در سده بیستم م. داشتند و بسیاری از طرح‌های عمرانی و حتی ساختن

۶. صفحات من تاریخ مکه، ج ۲، ص ۵۷۵.

۷. صفحات من تاریخ مکه، ج ۲، ص ۵۸۱.

8. One thousand roads to mecca. P321.

۱. مسیحیون فی مکه، ص ۲۵۶.

۲. میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۶۱، «سیاست‌های دولت هند در مورد حج»؛ برای نمونه: خاطرات سفر مکه، ص ۴۸-۴۹.

۳. المنار، ج ۳، ص ۸۵۵؛ میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۶۱، «سیاست‌های دولت هند در مورد حج».

۴. صفحات من تاریخ مکه، ج ۲، ص ۵۷۲.

۵. صفحات من تاریخ مکه، ج ۲، ص ۵۷۹-۵۸۱.

بخش‌هایی از مسجدالحرام و مسجدالنبی بر عهده اروپاییان بوده است.^۱

برای مثال، از آلمان حدود ۵۰۰۰ تن^۶ و از اتریش حدود ۲۵۰۰ نفر به حج می‌روند.^۷

در کشورهای اروپایی، وظیفه سازمان‌دهی حاجیان بر عهده سازمان دولتی خاصی نیست و آماده‌سازی حاجیان و حمل و نقل آنان در قالب کاروان‌هایی صورت می‌گیرد که به دست شرکت‌های مسافرتی برنامه‌ریزی می‌شوند. در عربستان سازمانی ویژه با نام مؤسسه مطوفین ترکیه، اروپا، امریکا و استرالیا وظیفه سازمان‌دهی و اسکان حاجیان اروپایی را بر عهده دارد و فعالیت شرکت‌های مسافرتی را سامان می‌دهد.^۸

منابع

اسلام در غرب: نورالدین آل علی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش؛ اسلام و مسلمانان در انگلستان: فهیمه وزیری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش؛ اسلام و مسلمانان در فرانسه: خدا قلی‌پور و وزیری، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش؛ اطلس تاریخ اسلام: حسین مونس، قاهره، الزهراء للإعلام العربی، ۱۴۰۷ق؛ اطلس تاریخی جهان: کالین مک ایودی، ترجمه: فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۴ش؛ افادة الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبة الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ اکتشاف جزيرة العرب: جالین بیرین، قدری

بیشترین شمار حاجیان مربوط به کشورهای فرانسه و انگلستان است. اکنون سالانه بیش از ۳۰/۰۰۰ تن از فرانسه به حج می‌روند.^۲ حاجیان این کشور از حمایت‌های دولت برخوردارند و دولت، خدمات پزشکی و دیپلماتیک به اتباع این کشور در مکه ارائه می‌کند. در فرانسه برای آموزش حاجیان کتابچه‌هایی به زبان‌های عربی و فرانسوی به چاپ رسیده که نکات لازم را از هنگام آماده شدن برای حج تا پایان سفر به حاجی آموزش داده و چگونگی بهره‌گیری از خدمات مسافرتی و پزشکی را بیان کرده است.^۳ از انگلستان نیز سالانه ۲۰/۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ تن به حج می‌روند.^۴

حج‌گزاری مسلمانان اروپا: در اروپا

وزارت امور خارجه انگلیس حمایت‌هایی ویژه از کاروان حاجیان این کشور انجام می‌دهد و خدمات کنسولی و پزشکی به دست دولت برای حاجیان فراهم می‌شود.^۵ آمار حاجیان در دیگر کشورهای اروپایی به فراخور جمعیت مسلمانان آنان متفاوت است.

۱. برای نمونه: کاروان نور، ش ۳۸، ص ۲۷.

۲. حج ۲۸، ص ۳۱۳.

3. Haj & Umra, Safar 1428, p28-31.

۴. حج ۲۶، ص ۴۷۷.

۵. کاروان نور، ش ۳۸، ص ۱۷.

۶. حج ۲۶، ص ۴۷۵.

۷. حج ۲۶، ص ۴۷۸.

8. <http://teaa.com.sa>.

٢٠١٠م؛ **خاطرات سفر مکه**: احمد هدايتي و محمد علي هدايتي، تهران، ١٣٤٣ق؛ **رحالة الغرب في ديار العرب**: اسعد الفارس، كويت، صقر الخليج، ١٤١٨ق؛ **رحلات في شبه جزيرة العرب**: جون لويس بوركهارت، ترجمه: صالح الهلابي و عبدالله شيخ، بيروت، الرسالة، ١٤١٣ق؛ **الرحلة الحجازيه**: محمد الليب البتونني، قاهره، مكتبة الثقافة الدينيه، ٢٠٠٦م؛ **رحلة الى مکه**: جيل جرفيه كورتلون، ترجمه: محمد الحناش، رياض، مؤسسة للتراث، ١٤٢٣ق؛ **شبه جزيرة في عصر ملك عبدالعزيز**: زركلي، بيروت، دار العلم للملايين، ١٩٩٣م؛ **شفاء الغرام**: محمد الفأسي (م.٨٣٢ق)، به كوشش مصطفى محمد، مکه، النهضة الحديثه، ١٩٩٩م؛ **صفحات من تاريخ مكة المكرمة**: سنوك، ترجمه: عودة شيوخ، رياض، داره الملك عبدالعزيز، ١٤١٩ق؛ **العرب و هولندا الاحوال الاجتماعيه**: حميد هاشمي، بيروت، مركز دراسات الوحدة العربيه، ٢٠٠٨م؛ **علاقة سلطنة لحج ببريطانيا**: دلال بنت مخلد الجدي، رياض، مكتبة العبيكان، ١٤١٧ق؛ **قافلة الحبر**: عطاء الله سمير، رياض، العبيكان، ١٤٣٠ق؛ **كاروان نور**: حج و زيارت، ش ٣٨؛ **مجلة مركز بحوث و دراسات المدينة المنوره**: المملكة العربية السعوديه، المدينة المنوره، سردبير: عبدالباسط عبدالرزاق؛ **مسلمانان اروپا و أمريكا**: معاونت بين الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي اداره كل اروپا، تهران، الهدى، ١٣٨٦ش؛ **مسيحيون في مکه**: اعطس رالي، به كوشش رمزي بدر، لندن، دار السوراق، ٢٠٠٧م؛ **الموسوعة العربية العالميه**: رياض، مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر، ١٤١٩ق؛ **وفاء الوفاء**: السمهودي (م.٩١١ق)، به كوشش السامرائي، مؤسسة الفرقان، ١٤٢٢ق؛ **مققات حج**

قلعه جي، بيروت، دار الكتاب العربي؛ **با من به خانه خدا بياييد**: محمد رضا خليل عراقى، تهران، طبع كتاب، ١٣٤٠ش؛ **بريطانيا و ابن سعود**: محمد علي سعيد، تهران، سازمان تليغات اسلامي، ١٤٠٨ق؛ **بلاد العرب القاصيه**: بيتر بدينت، به كوشش اسعد عيسى و غسان سبانو، بيروت، دار قتيبه، ١٤١١ق؛ **تاريخ اوروبا از تاريخ ١٨١٥م. به بعد**: هنرى و. ليتل فيلد، ترجمه: قره جه داغى، علمى فرهنگى، ١٣٦٦ش؛ **تاريخ العرب القديم و عصر الرسول**: نبيه عاقل، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ **التاريخ القويم**: محمد طاهر الكردي، به كوشش ابن دهيش، بيروت، دار خضر، ١٤٢٠ق؛ **تاريخ جهان لاروس**: مارسل دونان، ترجمه: امير جلال الدين اعلم، تهران، سروش، ١٣٧٨ش؛ **تاريخ جهان نو**: رابرت پالمير، ترجمه: ابوالقاسم طاهري، تهران، امير كبير، ١٣٨٣ش؛ **تاريخ جهاني**: ش. دولاند لن، ترجمه: احمد بهمنش، دانشگاه تهران، ١٣٧٣ش؛ **تاريخ قريش**: حسين مونس، بيروت، الدار السعوديه، ١٩٨٨م؛ **تاريخ مکه از آغاز تا پايان دولت شرفاي مکه**: احمد السباعي (م.١٤٠٤ق)، ترجمه جعفر يان، تهران، مشعر، ١٣٨٥ش؛ **جمهرة الرحلات**: احمد محمد محمود، جده، مطبعة المحموديه، ١٤٣٠ق؛ **جغرافياي جهان اسلام**: غلامرضا گلي زواره، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني عليه السلام؛ ١٣٨٥ش؛ **حج ٢٦**: محمد حسين رجبى، تهران، مشعر، ١٣٨٥ش؛ **حج ٢٨**: رضا بابايي و على اكبر جوانفكر، تهران، مشعر، ١٣٨٧ش؛ **الحج و العمرة**: وزارة الحج، عربستان، سال ٦٢، شماره ٢، محرم ١٤٢٨ق (بخش انگليسي)؛ **الحجاز في صدر الاسلام**: صالح احمد العلي، بيروت، الرسالة، ١٤١٠ق؛ **حكام مکه**: جerald دى گورى، رزق الله بطرس، بغداد، بيت السوراق،

آن گفته‌اند: ازاله نوعی رفاه‌طلبی است و با حالت احرام منافات دارد.

◀ حکم ازاله موی احرام گزار

۱. دیدگاه فقیهان امامی: همه فقیهان امامی^۴، ازاله مو از سراسر بدن احرام گزار از جمله سر، صورت، ابرو، زیر بغل و شرمگاه را جز در صورت ضرورت، حرام دانسته‌اند.^۵ در حرمت ازاله، فرقی میان انواع آن چون تراشیدن، کندن و ازاله با مواد زایل‌کننده نیست.^۶ همچنین کم یا بسیار بودن مقدار مو اثری در این حکم ندارد.^۷ برای حکم حرمت، به قرآن، به ویژه آیه ۱۹۶ بقره/۲ استناد شده که به صراحت احرام گزاران را تا فرارسیدن هنگام قربانی در منا، از تراشیدن موی سر نهی کرده است:^۸ «وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ»^۹. پشتوانه دیگر، حدیث‌های گوناگونند که برخی از آن‌ها صحیح قلمداد شده‌اند؛^{۱۰} از جمله روایت حریر^{۱۱} که

۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۵-۳۴۶، ۳۵۱؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۲۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۸.
 ۵. المقننه، ص ۴۳۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳.
 ۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۶؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.
 ۷. المختصر النافع، ص ۸۵؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۴.
 ۸. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۸.
 ۹. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۲۱.
 ۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۶.

(فصلنامه)، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ هدیه الزمن فی اخبار ملوک لبح و عدن: احمد فضل بن علی محسن العبدلی، بیروت، دار العوده، ۱۴۰۰ق.

One thousand Road to Meccah, Michel Wolf, Grore oress, New York, 1997.

کامران محمدحسینی



اریتره ← حبشه

ازار ← لباس احرام

ازاله مو: زدودن موی بدن، از محرّمات احرام

ازاله از ریشه «ز - و - ل» و به معنای رفع کردن و زدودن، از میان بردن، و دور ساختن است.^۱ مقصود از ازاله مو در منابع فقهی، ستردن و از میان بردن مو با هر وسیله ممکن است. این موضوع به منزله یکی از محرّمات احرام^۲، پیرو طرح آن در قرآن کریم (بقره/۲، ۱۹۶) و روایات^۳، در نخستین منابع فقهی مطرح شده^۴ و همواره فقیهان در مبحث محرّمات احرام به بررسی احکام آن پرداخته‌اند. در فلسفه حرمت

۱. العین، ج ۷، ص ۳۸۴؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۷۱۹-۱۷۲۰؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۵-۱۱۶، «زول».
 ۲. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۶۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۶۰.
 ۳. المقنن، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ المقننه، ص ۴۳۲.